

**صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری  
**مدیر مسئول:** محسن مهدیان  
**سر دبیر:** دانیال معمار

**معاون ضمايم:** حامد فوقانی  
**دبیر ویژه نامه:** محمد جعفری  
**دبیر اجرایی:** مجتبی یارزمان

**با تشکر از:** جواد عزیزی و الهه فراهانی

**واحد فنی:**

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی، طراح گرافیک و صفحه آرایی: سعید غفوری ویرایش عکس: کامیاب نویدی، صفحه خوانی و حرف چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

**سندوق پستی:** ۱۹۳۹۵۴۴۶  
**تلفن:** ۲۳۰۲۳۶۲۳  
**نمبر:** ۲۲۰۴۶۰۶۷

**چاپ:** همشهری  
**توزیع و اشتراک:** مؤسسه نشر گستر امروز نوین  
**پذیرش آگهی:** ۸۴۳۲۱۰۰۰

**نشانی:** تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارک کو، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

**همشهری**

**گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:**

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد، تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرخ و محله

**همشهری**

**معمای جنایی**

**قتل مرموز پدر**



پاسخ‌ها پتان را از طریق پیامک به شماره ۰۹۹۶۳۱۳۷۵۶۵ ارسال کنید. به ۳ نفر از افرادی که پاسخ درست را ارسال کرده باشند به قید قرعه کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

**پاسخ معمای شماره ۴**

بامشاد شریک مقتول، قاتل است. کلید حل معما، تقویم روی میز است. از آنجا که آقای امیر محمدی ساعت خود را به دست راست بسته معلوم است که او چپ دست است و اینکه او با دست راست چند عدد در تقویم خود یادداشت کرده معلوم می‌شود که می‌خواسته پیغامی را به صورت سریع منتقل کند. حدس پلیس این بود که اعداد نمایانگر ماه‌های سال هستند.

۱۱=بهمن، ۹=آذر، ۷=مهر، ۶=شهریور، ۸=آبان، ۱۰=دی. حرف اول ماه‌ها اگر پشت سر هم چیده شود نام قاتل مشخص می‌شود: بامشاد.

**برندگان**

۰۹۹۲۰۰۰۲۵۲۷  
۰۹۱۳۰۰۰۹۶۳۶  
۰۹۹۳۰۰۰۵۵۲۱  
**برنده کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی شدند.**

وقتی کارآگاه به بازجویی از فرهاد پرداخت، او نیز گفته‌های برادرش را تأیید کرد و گفت فرید، پدر را به قتل رسانده است. این در حالی بود که فرید قتل را انکار می‌کرد و می‌گفت آن شب او آخرین نفر وارد خانه شده و وقتی به آنجا رفته پدرش به قتل رسیده بوده و از ماجرای کشته شدن او اطلاعی ندارد.

کارآگاه با بررسی اطلاعاتی که از ۳ پسر مقتول به دست آورده بود و بررسی گزارش اولیه معاینه جسد و همچنین تحقیق از همسایه‌ها خیلی زود توانست به پاسخ این معمای جنایی برسد. به نظر شما قاتل یا قاتلان چه کسانی هستند و این مرد چطور به قتل رسیده است؟

۳ نفر از خوانندگان آنی که به معمای جنایی ما پاسخ صحیح دهند به قید قرعه برنده کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی خواهند شد.

در یکی از روزهای گرم تابستان خبر رسید که میلیاردی معروف در خانه‌اش به طرز مرموزی با شلیک گلوله به قتل رسیده است. لحظاتی بعد از این خبر بود که کارآگاه همراه با تیم بررسی صحنه جرم راهی محل وقوع جنایت شدند. آنها در آنجا با جسد مقتول در حالی که یک گلوله به پیشانی‌اش اصابت کرده بود مواجه شدند و پس از انجام تحقیقات مقدماتی در محل، جنازه برای انجام تحقیقات تکمیلی به پزشکی قانونی منتقل شد.

کارآگاه در بررسی محل جنایت دریافت که لحظاتی پیش از این قتل، ۳ پسر مقتول نیز همراه او بوده‌اند و در شرایطی که قصد ورود به خانه داشته‌اند این قتل اتفاق افتاده است؛ اما پسران مقتول حرف‌های ضدو نقیضی می‌زدند و به درستی معلوم نبود که این جنایت چطور اتفاق افتاده است.

در این شرایط بود که کارآگاه به صحبت با ۳ پسر مقتول پرداخت. فریدون، فرهاد و فرید یک به یک نزد کارآگاه رفتند و او به تحقیق از آنها پرداخت.

فریدون گفت که آن شب با پدرش و فرهاد به یک مهمانی رفته بودند و وقتی به خانه برگشتند ابتدا پدرشان و فرهاد وارد خانه شدند و خودش نیز در ادامه وارد اتاق شد؛ اما ناگهان فرید با یک اسلحه از راه رسید و از پشت به سوی پدر شلیک کرد و او را به قتل رساند.

**یک پوآروی متفاوت**

است. داستان فیلم درباره تعطیلات هر کول پوآرو کارآگاه بلژیکی در رودخانه شگفت‌انگیز مصر نیل است که به جست‌وجوی وحشتناکی برای یافتن یک قاتل تبدیل می‌شود.

هر کول پوآرو، کارآگاه محبوب آگاتا کریستی از مشهورترین شخصیت‌های دنیای ادبیات پلیسی است. داستان‌هایش بخش مهمی از آثار جنایی کلاسیک را تشکیل می‌دهد. درام اصلی مرگ روی نیل روی این کشتی و پیرامون همین قتل‌ها شکل می‌گیرد.

در یک ساعت ابتدایی فیلم، شخصیت‌های فیلم به درستی به بیننده شناسانده و تماشاگر را با هر شخصیت همراه می‌کند تا بتواند با آن همذات‌پنداری کند. مخاطب فیلم با شخصیت‌های فیلم، به چالش کشیده می‌شود. تماشاگر فیلم در جایی هیجان‌زده می‌شود که رویدادها باعث می‌شود که قاتل مشخص شود.

**فهیمة پناه آذر، روزنامه‌نگار:**

«مرگ روی نیل» یکی از جدیدترین فیلم‌های سینمایی معمایی-جنایی است که می‌توان گفت با امتیازی که گرفته جزو بهترین فیلم‌های جنایی سال ۲۰۲۲ قرار می‌گیرد.

این فیلم براساس رمانی از آگاتا کریستی به همین نام ساخته شده و دنباله‌ای بر فیلم قتل در قطار سریع‌السیر است. در واقع می‌توان گفت مرگ روی نیل، دومین اقتباس سینمایی کنت برانا پس از فیلم قتل در قطار سریع‌السیر شرق از آثار نویسنده مشهور ادبیات جنایی، آگاتا کریستی، است. پیش از این در سال ۱۹۷۸ جان گیلرمن اقتباسی سینمایی از این فیلم کرده بود. اکنون نیز کنت برانا فیلمی براساس این رمان ساخته است. در این اقتباس برانا دست به خلق پوآروی متفاوت‌تر زده



**فیلم جنایی**

**ابوالهول جنایات**

**علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار:** کتاب «ابوالهول جنایات: گزارشی از نخستین قاتل زنجیره‌ای ایران» به قلم فهیمة نظری، اثری پژوهشی براساس مطالب و گزارش‌های مطبوعات دوره پهلوی اول از جنایات



**کتاب پلیسی**

اصغر قاتل است که به بازتاب اخبار و تبعات این جنایات در جامعه آن روز ایران پرداخته است.



این کتاب که از سوی انتشارات لوح فکر منتشر شده، با پیشگفتاری به قلم مهدی تدینی به همراه مقدمه مولف اثر، در ۸ پرده با عناوین: روز واقعه، شکار کبوتر، مجاورت در کربلا، شرح اجمالی از زندگی و جنایات اصغر در عراق، تهران و وحشت‌زده و بروجرد خشمگین، در پیشگاه عدالت؛ شرح دادگاه، محبس قصر و روز موعود تهیه و تنظیم شده و انتشار یافته است.

در بخشی از پیشگفتار کتاب که از منظر تاریخ اجتماعی به موضوع اثر پرداخته، آمده است: نام «اصغر قاتل» هیچ‌گاه از حافظه جمعی ایرانیان - یا دست‌کم تهرانی‌ها - پاک نشد. این مرز و بوم و پایتخت تلخی‌ها

و داستان‌های ترسناک به خود زیاد دیده است؛ برخی پاک فراموش شده و برخی فقط در ذهن سالخوردگان باقی‌مانده است. اما نام این قاتل بی‌رحم را بسیاری شنیده‌اند، بدون اینکه از جزئیات جنایاتش آگاه باشند.

البته متخصصان روانشناسی جمعی باید پاسخ دقیقی به این پرسش بدهند که چرا چنین خاطره تلخی از ذهن جمعی ما پاک نشده است، اما حتی افراد غیرمتخصص هم می‌توانند حدس‌هایی بزنند؛ از جمله اینکه شاید بتوان گفت ماجرای اصغر قاتل روی روان جمعی ما تأثیری روان‌زخم‌گونه (تروماتیک) داشته است و درمان و فراموشاندن تروما یکی از پیچیده‌ترین فرایندهای روانی است. همه ما فیلم‌های ترسناک زیادی را در طول عمر خود دیده‌ایم، اما همه را فراموش کرده‌ایم، اما اگر یک رخداد ترسناک واقعی در زندگی‌مان - حتی در دوران خردسالی - رخ داده باشد، یا هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود یا همیشه تصویر کم‌رنگی از آن در ذهن‌مان می‌ماند. به هر حال تفاوتی میان ترس‌های زیستی راستین و هیجان‌ات کاذب سینمایی وجود دارد.

